

جامعه‌شناسی اقتصاد تبهکارانه (اقتصاد مواد مخدر)



مجموعه گزارش‌های راهبردی در حوزه مواد مخدر در راستای بررسی، تحلیل و تبیین ابعاد و مولفه‌های سیاست‌های کلی نظام طراحی شده است. هر اثر نتیجه یک پژوهش علمی و یا بررسی تحلیلی است، که به یکی از ابعاد بنیادی و کاربردی سیاست‌ها توجه دارد. با توجه به اینکه سیاست‌های کلی در بازه مجوز پرونده‌های نظام را در حوزه مبارزه با مواد مخدر ارائه می‌دهد، بنابراین لازم است هر محور از دیدگاه دست اندرکاران، اساتید دانشگاه، پژوهشگران و مسئولین اجرایی مورد نامل و بررسی قرار گیرد. کمیته تخصصی مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام بنا را در نظر به پژوهش‌ها و بررسی‌های انجام شده پیرامون مولفه‌های اساسی سیاست‌های کلی بازده گامه به مناسبت هر محور تخصصی تحلیل‌ها و گزارشات راهبردی را ارائه دهد.

گزارش راهبردی
کمیته مبارزه با مواد مخدر

سیاست پژوهی موادمفدر(11)



گزارش راهبردی

جامعه‌شناسی اقتصاد تبهکارانه (با رویکرد به مواد مخدر)

تهیه و تدوین:

محمدعلی زکریایی

کمیته مبارزه با مواد مخدر
دیپارتمان خانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

جامعه‌شناسی اقتصاد تبهکارانه (با رویکرد به موادمخدر)

● تهیه و تدوین: محمدعلی زکریایی ● زیر نظر: کمیته مبارزه با موادمخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام ● طراحی و چاپ: جامعه و فرهنگ ● شمارگان: 1000
نسخه

همه حقوق مترتب بر این اثر متعلق به کمیته مبارزه با موادمخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام است. استفاده از مطالب مندرج در این گزارش با ذکر ماخذ بلامانع است.

مسئولیت محتوای این گزارش بر عهده نویسنده است.

هرگونه پیشنهاد را به آدرس ذیل ارسال نمایید:

کمیته مبارزه با موادمخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام

تهران: بلوار میرداماد، نفت شمالی، بین کوچه چهارم و ششم، شماره 10

تلفن: 22277261

بسمه تعالی

رؤسای محترم قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران دامت توفیقاته با سلام و تحیت، سیاست‌های کلی در باب موادمخدر نهایی و ابلاغ گردید، ولی این نگرانی همچنان باقی است که دست اندرکاران، بلای بزرگ و تهدید عظیمی را که از این سو متوجه کشور است به درستی برآورده نکنند و بازهم مشکلات بر روی هم متراکم شود. لذا از آقایان محترم انتظار می‌رود که هر کدام سهم دستگاه خود در اجرائی کردن این سیاست‌ها را با سرعت و قاطعیت و بدون فوت وقت به مرحله ی عمل برسانند.

والسلام علیکم

سید علی خامنه‌ای

85/7/10

امریه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای «مدظله العالی»
در مورد اجرای سیاست‌های کلی نظام در امر مبارزه با موادمخدر

فهرست مطالب

9	پیشگفتار
11	جامعه شناسی اقتصاد تبهکارانه
12	اقتصاد مواد مخدر
13	ویژگی‌های عمده صنعت قاچاق مواد مخدر: (آمریکای لاتین)
15	اهمیت هویت فرهنگی در شکل‌گیری، کارکرد و راهبردهای شبکه جنایی
17	جامعه‌شناسی اقتصاد تبهکارانه و اثرات آن
24	منابع

به نام خدا

پیشگفتار

یکی از دلایل پیچیده بودن معضل موادمخدر در کشور و در سراسر جهان، ارتباط آن با دیگر حوزه‌های زندگی و جامعه است، به گونه‌ای که می‌توان از رابطه موادمخدر با اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ، امنیت و ... سخن گفت. انعکاس و برجسته سازی رابطه موادمخدر با همه شئون زندگی و به تعبیر بهتر «اجتماعی نشان دادن» این مساله برای تصمیم سازان و تصمیم گیران می تواند در درگیر ساختن ذهن مسئولان و مدیران کشور در بخش و رده‌های مختلف با این معضل و جلب مشارکت آنها در مقابله با این پدیده، بویژه در «امر سیاست‌گذاری» و «ارزیابی سیاست‌های کلی ابلاغی» نقش قابل ملاحظه‌ای داشته باشد.

واقعیت این است که به برکت انقلاب اسلامی، پرده از توطئه شومی به نام موادمخدر در کشور برداشته شد و امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری همواره توجه ویژه‌ای به این مساله داشته‌اند و همه بخش‌های نظام را در کاهش اثرات زیانبار سوءمصرف و قاچاق موادمخدر و پیامدهای هزینه‌ساز آن مسئول دانسته‌اند. اما متأسفانه مرور زمان و مسائل جاری و محسوس، منجر به این می‌شود که این موضوع مهم گاهی اولویت خود را از دست داده و از منظر توجه مسئولان ذیربط خارج شود، که این غفلت پیامدهای زیانبار و گاه غیر قابل جبرانی برای کشور دارد. بنابراین لازم است از طرق مختلف مانع این فراموشی راهبردی شده و اهمیت و حساسیت مساله به طور مستمر برای مسئولان یادآوری گردد.

به رغم تلاش‌ها و هزینه‌های فراوانی که تاکنون جهت حل این معضل و یا کاهش آسیب‌های آن انجام شده، موضوع موادمخدر همچنان یک

موضوع جدی و هشدار دهنده برای جامعه ایرانی است. از این رو تلاش برای مواجهه عالمانه، موثر و فراگیر با این معضل بیش از پیش ضروری می‌نماید. یکی از بخش‌هایی که همواره باید مورد توجه قرار گیرد، انجام پژوهش و اقدامات اندیشگی است. هر چه اندیشه ورزی در حوزه موادمخدر افزایش یابد (که در سیاست‌های کلی نظام نیز بر آن تأکید شده است) نتایج قابل قبول تر و موثرتری نیز بدست خواهد آمد. این گزارش از جمله گزارش‌های راهبردی تهیه شده در این کمیته است که به موضوع "جامعه‌شناسی اقتصاد تبهکارانه (موادمخدر)" پرداخته است. لازم است از زحمات جناب آقای محمدعلی زکریایی در تهیه این گزارش تقدیر و تشکر نمایم.

علی هاشمی

رئیس کمیته مبارزه با موادمخدر

جامعه‌شناسی اقتصاد تبهکارانه (اقتصاد مواد مخدر)

«در دو دهه گذشته، سازمان‌های جنایی با بهره‌مندی از جهانی شدن اقتصاد و تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و حمل و نقل، به گونه‌ای فزاینده عملیات خود را در فراسوی مرزها مستقر ساخته‌اند. راهبرد آنها استقرار کارکردهای مدیریتی و تولیدی در مناطق کم‌خطر یعنی مناطقی است که این سازمان‌ها در آن از کنترل نسبی بر محیط نهادی برخوردارند؛ آنها در عین حال مناطقی را به عنوان بازارهای ترجیحی خود بر می‌گزینند که بیشترین تقاضا در آنها وجود دارد. تا از این طریق بتوانند قیمت‌های بالاتری مطالبه کنند. این موضوع آشکارا در مورد کارتل‌های مواد مخدر، خواه کارتل‌های کوکائین در کلمبیا و منطقه‌آند، خواه تریاک - هروئین از مثلث طلایی¹ آسیای جنوب شرقی، و یا از افغانستان و آسیای میانه صدق می‌کند. اما [این راهبرد] یک مکانیسم اساسی در تجارت اسلحه یا قاچاق مواد رادیو اکتیو نیز هست. شبکه‌های تجاری از روسیه (شوروی سابق) و از سراسر جهان با استفاده از مصونیت نسبی شان در روسیه و جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق در دوره انتقال، کنترل بخش چشمگیری از سلاح‌های نظامی و هسته‌ای را که باید به بالاترین پیشنهاد دهنده در صحنه بین‌المللی آشفته پس از جنگ سرد عرضه می‌شد، به دست گرفتند. بین‌المللی شدن فعالیت‌های جنایی، جنایت سازمان یافته کشورهای مختلف را از طریق ترتیبات

پیمانکاری فرعی و همکاریهای مشترک، به ایجاد اتحادهای استراتژیک برای همکاری و نه درگیری در قلمرو یکدیگر ترغیب می‌کند.

علاوه بر این بخش عمده درآمدهای حاصل از تطهیر آنها در بازارهای مالی جهانی، بنا بر تعریف، جهانی می‌شود» (کاستلز، 1385: 3-202).

اقتصاد مواد مخدر

قاچاق مواد مخدر یک تجارت درجه اول است، تا حدی که قانونی شدن مواد مخدر شاید بزرگترین خطری است که گروه‌های جنایی سازمان یافته باید با آن مقابله کنند. آنها می‌توانند بر روی بی‌خردی سیاسی و اخلاق نابجای جوامع تکیه کنند که از پذیرش مهم‌ترین جنبه این مسأله - (یعنی این که تقاضا محرک عرضه است) - دم می‌زنند. علت اعتیاد به مواد مخدر، و علت بیشتر جنایات در جهان، در زخم‌های روانی ریشه دارد که زندگی روزمره در جوامع بر مردم وارد می‌کند. بنابراین، تا آینده نزدیک مصرف گسترده مواد مخدر به رغم سرکوب ادامه خواهد داد یافت. و جنایت سازمان یافته جهانی راه‌های برای تأمین این تقاضا خواهد یافت و آن را به سودآورترین تجارت و ما در اکثر جنایات دیگر تبدیل خواهد کرد.

برآوردهای منافع و جریان‌های مالی نشأت گرفته از اقتصاد جنایی بسیار متفاوت است و چندان قابل اعتماد نیست. اما این برآوردها از ابعاد حیرت‌انگیز این پدیده حکایت می‌کند. کنفرانس 1994 سازمان یافته جهانی چنین برآورد کرد که تجارت جهانی مواد مخدر سالانه حدود 500 میلیارد دلار است؛ یعنی بیش از تجارت نفت. سود همه این فعالیت‌ها در مجموع 750 میلیارد دلار در سال تخمین زده می‌شد. دیگر برآوردها به رقم 1 تریلیون دلار در سال 1993 اشاره می‌کنند که تقریباً به اندازه بودجه فدرال آمریکا در همان زمان بود. نیروی ضربت مالی گروه 7 کشور صنعتی، در برآوردی بسیار محتاطانه در آوریل 1990 اعلام کرد که سالانه دست کم 120

میلیارد دلار پول موادمخدر در سیستم مالی جهانی تطهیر می‌شود. سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در 1993 از تطهیر سالانه دست کم 85 میلیارد دلار سود حاصله از قاچاق مواد مخدر خبر داد. استرلینگ رقم 500 میلیارد دلار بازگشت سرمایه جهانی دلارهای موادمخدر را پذیرفتنی می‌داند. بخش عمده این سود (با حق العملی معادل 15 تا 25 درصد نرخ رسمی دلار) تطهیر می‌شود، و حدود نیمی از پول تطهیرشده، دست کم در مورد مافیای فعالیت‌های جنایی را ناممکن می‌سازد. زیرا سرمایه‌گذاری این سود در فعالیت‌های مشروع نقش عمده‌ای در تضمین و سرپوش گذاشتن بر پویایی کلی سیستم بازی می‌کند. علاوه بر این، در انجام معاملات، دستکاری ماهرانه دستورالعمل‌های قانونی و سیستم‌های مالی در هر کشور و در سطح بین‌المللی با هم ترکیب می‌شوند و بنا به ضرورت، از خشونت گسترده مقام‌های دولتی، بانکداران، دیوانسالاران و مأموران مجری قانون استفاده می‌شود.

ویژگی‌های عمده صنعت قاچاق مواد مخدر: (آمریکای لاتین)

«1- این صنعت متکی به تقاضا و معطوف به صادرات است. بازار اصلی و مهمترین بازار آن ایالات متحده است. با وجود این، اروپای غربی و کشورهای ثروتمند آسیایی نیز به سرعت به بازارهای مهمی تبدیل می‌شوند. برای نشان دادن وضعیت اقتصادی صنعت کوکائین، باید گفت که در سال 1991 هزینه تولید یک کیلوگرم کوکائین در کلمبیا (شامل هزینه تولید خمیر کوکا که از کشورهای دیگر وارد می‌شود) 750 دلار برآورد می‌شد؛ قیمت آن برای صادرات از کلمبیا حدود 2 هزار دلار بود؛ قیمت عمده همین مقدار در میامی 15 هزار دلار بود؛ و در خیابان‌های شهرهای آمریکا «گرمی» فروخته می‌شد. بهای این ماده پس از این که به راحتی با دیگر مواد «مخلوط» شد، ممکن است به 135 هزار دلار برسد (تومی¹، 1994). هزینه‌های حمل و

نقل، توزیع و پشتیبانی از سیستم‌های توزیع، آشکارا با غیرقانونی بودن و تقاضای پایدار برای آن در ایالات متحده در ارتباط است.

2- این صنعت کاملاً بین المللی شده و یک تقسیم کار بسیار دقیق بین مکان‌های مختلف صورت گرفته است. باز در مورد کوکائین باید گفت که برگ‌های کوکا هزاران سال است که در منطقه آند کشت و بدون درد سر مصرف می‌شود (لاسرنا²، 1996). پرو حدود 55 درصد برگ کوکا در جهان را تولید می‌کند، بولیوی در حدود 35 درصد و مابقی عمدتاً بین اکوادور، کلمبیا، ونزوئلا به تازگی برزیل و مکزیک تقسیم شده است. تبدیل برگ به خمیر، و سپس به عصاره کوکا معمولاً در کشورهای کشت‌کننده انجام می‌شود، هر چند به منظور پنهان کاری، این فراوری در محل‌هایی دور از مزارع صورت می‌گیرد.

3- عنصر حیاتی کل صنعت مواد مخدر، سیستم تطهیر پول است. این بخش نیز تحت کنترل قاچاق عمده کلمبیایی و مکزیکی است، اما کارگزاران متخصص آن را صورت می‌دهند که محل استقرار آنها در بانک‌ها و مؤسسات مالی کلمبیا، ونزوئلا، پاناما و فلورید است. مؤسسات مالی در کشورهای کوچک متعدد در حوزه کارائیب، همچون جزایر کیمن، تورکاسای کایکاس، آروبا، نقشی اساسی به عنوان نقاط ورودی تطهیر پول در دهه 1980 را بازی می‌کردند، اما افشای آنها و ابعاد کوچک سیستم‌های مالی، نقش آنها را در تطهیر پول در سطح جهانی تضعیف کرده است، هر چند آنها هنوز هم حساب‌های پس‌انداز امنی برای امور شخصی قاچاقچیان تأمین می‌کنند.

4- انجام مجموعه معاملات قاچاق، به اعمال خشونت مفرط متکی است. همه سازمان‌های بزرگ جنایی شبکه‌های آدمکشان خود را تأسیس کرده‌اند (برای مثال، سیکاریوس³ کلمبیا)، که برخی از آنها بسیار متخصص و حرفه‌ای هستند. بسیاری از آنها که تعدادشان

1-Laserna

۲-Sicarios

به هزار نفر می‌رسد، به‌عنوان اعضای سازمان یا پیمانکار فرعی، مسؤول مراقبت و ایجاد رعب و وحشت در سراسر شهرها هستند. وقتی که سازمان‌ها برای کنترل یک بازار خاص به جنگ یکدیگر می‌روند، یا دربارهٔ شرایط مستقیم سود به بحث و جدل می‌پردازند، این شبکه‌های آدمکشان علاوه بر کارکرد اجرایی، ابزار رقابت و پشتیبانی نیز هستند.

5- این صنعت برای فعالیت در تمام نقاط به فساد و نفوذ در محیط نهادی نیازمند است. قاچاقچیان مواد مخدر باید مقامات محلی و ملی، پلیس، گمرک، قضات، سیاستمداران، بانکداران، متخصصان شیمی، شبکه‌های حمل و نقل، روزنامه‌نگاران، صاحبان رسانه‌ها، و تجار را به فساد کشند یا مرعوب سازند. برای بسیاری از این افراد، وسوسهٔ انتخاب میان کسب مقادیر هنگفتی پول یا شاهد هراس خانوادهٔ خود بودن بسیار سخت است. وقتی حضور تعیین‌کنندهٔ قدرت دولت در کار نباشد، شبکه‌های قاچاق مواد مخدر کنترل بسیاری از افراد و سازمان‌ها را که به وجودشان در این محیط نیاز هست، به دست می‌گیرند. فساد ریشه‌ای دولت و خشونت مفرط به عنوان یک روش زندگی، اجزای اساسی صنعت قاچاق مواد مخدر به شمار می‌آیند» (کاستلز، 1385: 27-224).

اهمیت هویت فرهنگی در شکل‌گیری، کارکرد و راهبردهای شبکه جنایی

شکل‌گیری شبکه جنایی در کلمبیا متأثر از بروز دشواری‌های اقتصادی بوده است، حداقل در "سهب" منطقه مهم این وضعیت مشاهده شد؛ صنعت نساجی سنتی مدلین مرکز آنتیگوا که از دیرباز خاستگاه فعالیت‌های اقتصادی بوده در دههٔ 1970 با عرضهٔ الباف مصنوعی در بازار رقابت بین‌المللی دچار آشفتگی شد. با سهمیه‌بندی شکر در تجارت بین‌المللی صنعت نیشکر "کالی" مرکز و "واله دل" آسیب دید و پس از بروز بحران در معادن و قاچاق زمرد، بویا در مرکز کلمبیا نیز دچار آشفتگی شد و این سه منطقه را به مراکز

قاچاق مواد مخدر تبدیل کرد. در بویاکا، رودریگز گاجای رهبر این شبکه به گروه مدلین به رهبری پابلو اسکوبار پیوست و شبکه کالی نیز به رهبری رودریگز او رفونلا سامان یافت. اما هویت فرهنگی - اجتماعی این گروه‌ها متمایز از یکدیگر بود.

گروه کالی از طبقات متوسط بالا بودند و هیچگاه قدرت الیگارش‌ی سنتی کلمبیا را که همواره تجارت، ثروت، اعتبار، زمین، دولت و دو حزب محافظه کار لیبرال را در دست داشتند، به چالش نطلبیدند. گروه مدلین که از طبقه متوسط پایین جامعه و ضمناً علاقه مند به سیاست بودند، از یک سو تأمین مالی برنامه مسکن افراد کم درآمد و خدمات اجتماعی را برای فقرای مدلین بر عهده گرفته و از حمایت چشمگیر ساکنان محلات فقیر نشین برخوردار شدند و از سوی دیگر اسکوبار و متحد سیاسی نزدیک او در انتخابات کنگره کلمبیا در سال 1980، انتخاب شدند که پس از مداخله سفارت آمریکا کنار زده شدند.

در حالی که گروه مدلین از "حقوق انسانی" باندهای جوان خود در مقابل سوء استفاده آشکار و پلیس‌های دفاع می کرد، کارتل کالی اما روش "پاکسازی اجتماعی" را پیش گرفت و به کشتن تصادفی هزاران نفر پرداخت که آنها را دو انداختنی می دانست با این حال همه گروه‌های قاچاق مواد مخدر در شبکه آدمکشان MAS¹ مهارت‌های نظامی را فراگرفتند.

صرف نظر از اختلافات خشونت آمیز و تاکتیک‌های متفاوت هر دو گروه کالی و مدلین به یکپارچگی کامل جامعه کلمبیا امیدوار بودند آنها بارها به رؤسای جمهور پرداخت نقدی بدهی‌های کشور را پیشنهاد دادند که این امر به دل‌بستگی قاچاقچیان مواد مخدر به زادگاهشان بر می‌گردد که در محاسبات استراتژیک نمی‌گنجد. آنها عمیقاً در فرهنگ و سنت‌های منطقه‌ای خود ریشه داشته و نه تنها ثروت هنگفت خود را در شهرهایشان سرمایه گذاری کرده بلکه در احیای فرهنگ محلی، بازسازی زندگی روستایی، تقویت موسیقی

فولکلور، حمایت از تیم ملی فوتبال و اثبات احساسات مذهبی و ایمان خود را می‌کوشند و اینگونه است که شاعران کلمبیایی با ترانه‌های ستایش آمیز از آنها تجلیل می‌کنند اما دولت امریکا تصمیم گرفت با ایجاد فاصله میان آنها، مانع از تبدیل کلمبیا به موطن امن قاچاقچیان شود و اینگونه بود که در دسامبر 1993 پابلو اسکوبار بر بام یکی از ساختمان‌های شهر مدلین با گلوله از پای درآمد. تشییع جنازه او، ادای احترام شهر و به ویژه فقرا نسبت به او بود. بسیاری اسکوبار را ولی نعمت خود می‌دانستند در این مراسم برای او گریستند و شعارهای علیه دولت سردادند.

جامعه‌شناسی اقتصاد تبهکارانه و اثرات آن

در این بحث از دیدگاهی جامعه‌شناختی به اقتصاد تبهکارانه و اثرات آن می‌پردازیم. برای سهولت کار، اقتصاد تبهکارانه و اثرات آنرا در سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ از دیدگاهی جامعه‌شناختی بررسی می‌شود.

«تطهیر پول و مشتقات آن به بخش مهم و نگران‌کننده جریان‌های مالی جهانی و بازارهای سهام تبدیل شده‌است. اندازه این سرمایه‌ها، گرچه نامعلوم، احتمالاً بسیار زیاد است. اما مهم‌تر، جابه‌جایی آن است. سرمایه‌ای که از اقتصاد جنایی سرچشمه می‌گیرد، برای اینکه ردیابی نشود، پیوسته از یک مؤسسه مالی به مؤسسه مالی دیگر، از یک ارز به ارزی دیگر، از یک بازار سهام به بازار دیگر و از سرمایه‌گذاری در مستغلات به سرمایه‌گذاری در صنعت تفریحات و سرگرمی جا به جا می‌شود. سرمایه جنایی به دلیل بی‌ثباتی و تمایلش به خطر کردن بسیار، از تلاطم سوداگرانه در بازارهای مالی پیروی کرده و آن را تقویت می‌کند. به این ترتیب، این سرمایه عامل مهم ناپایداری سرمایه بین‌المللی و بازارهای سرمایه شده است.

فعالیت تبهکارانه همچنین تأثیر مستقیم شگرفی بر تعدادی از اقتصادهای ملی می‌گذارد، در برخی موارد، اندازه سرمایه اقتصاد

کشورهای کوچک را در خود فرو می‌برد. در موارد دیگر، مانند کلمبیا، پرو، بولیوی یا نیجریه، حجم سرمایه از نوعی ابعاد مالی حکایت می‌کند که برای تعیین فزاینده‌های کلان اقتصادی کافی است و به عاملی تعیین‌کننده در مناطق یا بخشهای خاص تبدیل می‌شود و در کشورهای دیگری همچون روسیه یا ایتالیا، نفوذ آن در تجارت و نهادها، محیط اقتصادی را دگرگون و پیش‌بینی‌نشده می‌سازد که (این وضعیت) به نفع راهبردهای سرمایه‌گذاری است که بر بازگشت سرمایه در کوتاه مدت تکیه دارند. حتی در اقتصادهایی به بزرگی و استواری ژاپن، بحران‌های مالی را می‌توان با مانورهای تبهکارانه دامن زد، مانند بحران سپرده‌گذاری و عدم پرداخت وام‌ها در 1995 به میزان صدها میلیارد دلار، که ناشی از وام‌های وصول‌نشده بود که یاکوزا^۱ بر بعضی بانک‌ها تحمیل کرده بود. تأثیرات ناهنجار اقتصاد جنایی‌ناپیدا بر سیاست‌های مالی و سیاست‌های اقتصادی به طور کلی، کنترل فرایندهای اقتصادی ملی را در اقتصاد جهانی (که یک بخش آن حضور رسمی ندارد) دشوارتر می‌کند.

تأثیر فعالیت‌های جنایی بر نهادها و سیاست‌های دولتی حتی بیش از این هاست. شبکه‌های انعطاف‌پذیر جنایی که از کنترل‌ها فرار می‌کنند و سطحی از ریسک را متقبل می‌شوند که هیچ سازمان دیگری قادر به جذب نیست. استقلال دولت‌ها را که پیش از این فرایندهای جهانی شدن و تعیین هویت آن را در هم شکسته است، مستقیماً مورد تهدید قرار می‌دهد. فرصت تکنولوژیک و سازمانی بر پایی شبکه‌های جهانی، جنایت سازمان یافته را دگرگون ساخته و به آن قدرت بخشیده است. برای مدتی طولانی، راهبرد اساسی این شبکه، نفوذ در نهادهای دولتی ملی و محلی در زادگاه خود برای حمایت از فعالیت‌هایش بود. مافیای سیسیل، یاکوزای ژاپن، تراپادهای^۲ مستقر در هنگ کنگ، یا تایوان یا بانکوک، و کارتل‌های کلمبیا به توانایی خود برای ایجاد رابطه‌ای تنگاتنگ در درازمدت با

۱-Yakuza

۲-Triads

بخش‌های دولتی ملی و منطقه‌ای (با دیوانسالاران و با سیاستمداران) تکیه داشتند. این امر هنوز هم عنصری مهم در شیوه‌های عملیاتی جنایت سازمان یافته محسوب می‌شود: این فعالیت تنها بر اساس فساد و ارباب کارکنان دولت و گاهی نهادهای دولتی ممکن است به بقای خود ادامه دهد. با وجود این، در سال‌های اخیر جهانی شدن چرخشی تعیین کننده در راهبردهای نهادی جنایت سازمان یافته ایجاد کرده است. خانه‌های امن، یا نسبتاً امن، در گوشه و کنار دنیا پیدا شده است. خانه‌های کوچک (آروبا)، متوسط (کلمبیا)، بزرگ (مکزیک) یا بسیار بزرگ (روسیه)، و بسیاری نقاط دیگر. افزون بر این، تحرک بالا و انعطاف پذیری فراوان شبکه‌ها، امکان گریز از مقررات کلی و روش‌های انعطاف ناپذیر همکاری پلیس بین المللی را فراهم ساخته است. به این ترتیب، تقویت اتحادیه اروپا فرصت شگفت آوری به جنایت سازمان یافته داده است تا از اختلافات میان قوانین ملی و اکره بیشتر نیروهای پلیس نسبت به از دست دادن استقلال خود، استفاده کند. بدین گونه آلمان به مرکز عمده عملیاتی مافیای سیسیل تبدیل شده است، گالیچیا ایستگاه اصلی فعالیت‌های کارتل‌های کلمبیایی است و هلند نقاط اتصال مهم قاچاق هروئین توسط ترایاد چینی را در خود جای داده است. وقتی فشار از طرف دولت و نیروهای بین المللی (معمولاً آژانس اطلاعاتی آمریکا) در یک کشور خاص بسیار زیاد می‌شود، حتی در منطقه‌ای که برای جنایت سازمان یافته «امن» تلقی می‌شود (برای مثال، سرکوب تبهکاران در سیسیل در 6-1992، یا کارتل‌های مدلین و کالی در 6-11994)، انعطاف پذیری شبکه امکان تغییر هندسه سازمانی، جابه‌جایی پایگاه‌های عرضه، تغییر مسیرهای حمل و نقل، و یافتن مکان‌های جدید برای اقامت رؤسا را به نحو فزاینده‌ای در کشورهای خوشنام همچون سوئیس، اسپانیا و اتریش را فراهم می‌سازد. در مورد مسأله اصلی، یعنی پول هم باید گفت که، پول به طور امن در جریان‌های معاملات مالی کامپیوتری به گردش در می‌آید. این جریان‌ها از

پایگاه‌های بانکی خارج کشور که چرخش پول را در زمان و مکان هدایت می‌کنند، اداره می‌شوند.

علاوه بر این، فرار از کنترل پلیس از طریق شبکه سازی و جهانی شدن به گروه‌های تبهکار سازمان یافته امکان می‌دهد تا سلطه خود را بر پایگاه‌های مالی حفظ کنند. برای مثال، در اواسط دهه 1990، با اینکه کارتل‌های کلمبیایی (بوئزه مدلین) ضربات سختی را متحمل شدند، قاچاقچیان مواد مخدر کلمبیایی با تعدیل سازمان و غیر متمرکز کردن ساختار به بقای خود ادامه دادند. در واقع، آنها هیچگاه یک کارتل مبتنی بر سلسه مراتب فشرده نبودند، بلکه کانون غیر منسجمی از صادرکنندگان بودند که برای مثال در کارتل کالی بیش از 200 سازمان مستقل را در بر می‌گرفت. به این ترتیب، وقتی بعضی از رهبران بیش از حد درد سر ساز شده یا از سر راه برداشته می‌شوند، این شبکه‌ها تشکیلات جدید، روابط قدرت جدید و شکل‌های جدید همکاری (گرچه ناپایدار) پیدا می‌کنند. اقتصاد جنایی با تأکید بر انعطاف پذیری محلی و پیچیدگی (عملیات) در سطح بین‌المللی، خود را با کوشش‌های نومیدانه نهادهای دولتی ملی و انعطاف ناپذیر (که در حال حاضر از شرکت خود در این نبرد با خبرند) تطبیق می‌دهند. همراه با آن، این نهادهای دولتی بخش اساسی حاکمیت و مشروعیت خود را نیز از دست می‌دهند. یعنی توانایی خود را برای اعمال قانون و نظم.

دولت‌های دموکراتیک در واکنش نومیدانه به قدرت فزاینده جنایت سازمان‌یافته، در دفاع از خویش به اقداماتی متوسل می‌شوند که آزادی‌های دموکراتیک را محدود می‌کند و خواهد کرد. علاوه بر این، از آنجا که جنایت سازمان یافته غالباً از شبکه‌های مهاجر برای نفوذ در جوامع استفاده می‌کند، ارتباط زیاد از حد و ناعادلانه میان مهاجرت و جنایت، احساسات بیگانه ستیزی را در افکار عمومی دامن می‌زند که رواداری و ظرفیت همزیستی مورد نیاز جوامع مالی را، که روز به روز خصلتی چند قومی پیدا می‌کنند، از بنیان سست می‌

سازد... نفوذ فزاینده جنایت جهانی ممکن است محدودیت‌های اساسی بر حقوق، ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک تحمیل کند.

دولت نه تنها توسط گروه‌های سازمان یافته جنایی نادیده گرفته می‌شود، بلکه از درون نیز دچار فروپاشی می‌شود. گذشته از توانایی تبه‌کاران برای رشوه دادن و یا ارباب پلیس و قضات مقامات رسمی دولت، رخنه بی سر و صدا تر و ویران‌گری نیز وجود دارد: فساد سیاست‌های دموکراتیک، نیازهای مالی نامزدهای انتخابی و احزاب سیاسی که هر روز اهمیت بیشتری می‌یابد، فرصتی طلایی برای گروه‌های سازمان یافته تبه‌کار به منظور ارائه کمک در لحظات تعیین کننده مبارزه سیاسی فراهم می‌کند. هر حرکتی در این جهت سیاستمدار را برای همیشه اسیر خود خواهد ساخت. علاوه بر این، سلطه سیاست‌های رسوا کننده، ترور شخصیت و انگاره سازی بفرایند دموکراتیک نیز زمینه‌ای عالی برای نفوذ سیاسی گروه‌های سازمان یافته تبه‌کار فراهم می‌سازد. گروه‌های سازمان یافته تبه‌کار با اغوای سیاستمداران با سکس، مواد مخدر و پول یا در صورت لزوم ایراد اتهامات ساختگی، شبکه وسیعی از اطلاعات محرمانه و ارباب فراهم ساخته اند که نفوذ را با سکوت مبادله می‌کند. در دهه 1990، رسوایی‌ها و بحران‌هایی بر سیاست بسیاری از کشورها، نه فقط در آمریکای لاتین، سلطه داشت که ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم میان گروه‌های سازمان یافته تبه‌کار و سیاست موجد آن بود. اما علاوه بر این موارد شناخته شده یا مشکوک فساد سیاسی، فراگیر بودن سیاست‌های رسوا کننده از این احتمال خبر می‌دهد که گروه‌های سازمان یافته تبه‌کار در تعدادی از کشورها جایگاهی ممتاز در جهان سیاست و رسانه‌ها برای خود دست و پا کرده اند. مانند یاکوزا در ژاپن و یا مافیای سیسیل در ایتالیا.

گروه‌های تبه‌کار جهانی با راه‌هایی ظریف‌تر به قلمرو فرهنگی دست درازی می‌کنند. از سویی، بیشتر این شبکه‌های جنایی را هویت فرهنگی بارور می‌سازد، و به هم پیوستگی و اصولی را ایجاد می‌کند که پایه اعتماد و ارتباط در درون شبکه می‌شود. این مشارکت در

جرم مانع اعمال خشونت علیه هم‌کیشان نمی‌شود. از سوی دیگر، خشونت بیشتر در درون شبکه رخ می‌دهد. با وجود این، سطح گسترده‌تری از مشارکت و درک در سازمان جنایی وجود دارد که بر پایه تاریخ، فرهنگ و سنت استوار است و ایدئولوژی مشروعیت بخش خود را می‌سازد. شواهد مربوط به این موضوع در شماری از تحقیقات در مورد مافیای سیسیل و آمریکا، از زمان مقاومت آنها در برابر اشغال کشور به دست فرانسوی‌ها در قرن هجدهم، یا در مورد ترایادهای چینی، که فعالیت‌هایشان از زمان مقاومت جنوبی‌ها در برابر تجاوز شمالی‌ها آغاز شد، و سپس در قالب یک انجمن اخوت در سرزمین‌های بیگانه گسترش یافت، آمده است.

در واقع، هرچه جنایت سازمان یافته جهانی‌تر شود، مهمترین اجزای آن بیشتر بر هویت فرهنگی خویش تأکید می‌کنند تا در گردباد فضای جریان‌ها ناپدید نشوند. با این کار، آنها پایگاه‌های قومی، فرهنگی و در صورت امکان، سرزمینی خود را حفظ می‌کنند. همین نقطه قوت آنهاست. شبکه‌های جنایی به لحاظ توانایی تعیین‌کننده خود برای درآمیختن هویت فرهنگی و تجارت جهانی شاید جلوتر از شرکت‌های چند ملیتی باشند.

با این همه مهمترین تأثیر فرهنگی شبکه‌های جنایی جهانی بر کل جوامع، گذشته از بیان هویت فرهنگی خودشان، در فرهنگ جدیدی که ایجاد می‌کنند، نهفته است. در بسیاری زمینه‌ها، تبهکاران جسور و موفق، به سرمشق نسل جوان تبدیل شده‌اند که راه آسانی برای بیرون رفتن از فقر، و مطمئناً هیچ بختی برای چشیدن لذت مصرف ماجراجویانه زیستن نمی‌یابند. از روسیه تا کلمبیا، ناظران بر شیفتگی جوانان محلی به اعضای مافیا تأکید می‌کنند. در جهان محرومیت، و در بحبوحه بحران مشروعیت سیاسی، مرز میان اعتراض، الگوهای ارضای آنی، ماجراجویی و جنایت هر روز کمرنگ‌تر می‌شود. گارسیمارکز شاید بهتر از هر کس دیگری «فرهنگ اضطراب» آدمکشان جوان در دنیای تبهکاران سازمان یافته را ثبت کرده باشد.

او در کتاب غیرداستانی «اخبار یک آدم ربایی»^۱ تقدیر گرایی و نفی گرایی آدمکشان را توصیف می کند. برای آنان، هیچ امیدى در جامعه وجود ندارد و همه چیز، بویژه سیاست و سیاستمداران، فاسد است. خود زندگی هیچ معنایی ندارد، و زندگی آنان هیچ آینده‌ای. آنها می‌دانند که به زودی خواهند مرد. بنابراین، تنها همین لحظه ارزشمند است، مصرف آنی لباس‌های خوب، زندگی خوب، همیشه در حال گریز، همراه با احساس رضایت از ایجاد وحشت، یا احساس قدرت به یمن داشتن اسلحه. تنها یک ارزش عالی وجود دارد: خانواده و بویژه مادر که هر کاری برای او می‌کنند. و باورهای دینی‌شان، بویژه ایمان به قدیس‌های خاص که در لحظه‌ای سخت به یاری‌شان خواهند آمد. گارسیا مارکز، با عبارت ادبی تکان دهنده، پدیده‌ای روایت می‌کند که بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی در گوشه و کنار دنیا مشاهده کرده‌اند: تبهکاران جوان بین اشتیاق به زندگی و درک محدودیت هایشان گرفتار شده‌اند. از این رو آنها زندگی را در چند لحظه متراکم می‌کنند، تا آن را به تمامی زندگی کنند و آنگاه رخت از میان برچینند. در آن لحظات کوتاه زندگی، زیرپا گذاشتن قوانین و احساس قدرت، نمایش یکنواخت یک زندگی طولانی تر اما فلاکت بار را جبران می‌کند. بسیاری از جوانان البته به شکلی متعادل تر، تا حد زیادی در این ارزش‌ها با آنان شریک‌اند.

اشاعه فرهنگ جنایت سازمان یافته به واسطه حضور فراگیر گوشه‌هایی از زندگی هر روزه دنیای تبهکاران در رسانه‌ها تقویت می‌شود. مردم گوشه و کنار دنیا شاید با روایت رسانه‌ای شرایط زندگی و ذهنیت «آدمکش حرفه‌ای» و قاچاقچیان مواد مخدر آشنا تر باشند تا با پویایی بازارهای مالی که مردم پول خود را در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. نمی‌توان شیفتگی جمعی تمامی ساکنان سیاره نسبت به فیلم‌های حادثه‌ای را که قهرمانان آن بازیگران گروه‌های تبهکار سازمان یافته هستند، تنها با میل سرکوب شده در ساختار

۱-Naticia de un,Secuestro(۱۹۹۶)

روانشناختی ما به خشونت تبیین کرد. این امر چه بسا به فروپاشی فرهنگی، نظم اخلاق سنتی و به رسمیت شناختن تلویحی جامعه‌ای جدید اشارت داشته باشد که شاکله آن را هویت جمعی و رقابتی بی‌لگام که جنایت جهانی جلوه متراکم آن است، تشکیل می‌دهد» (کاستلز، 1385: 240-235).

یادداشت

این مقاله از فصل سوم، کتاب عصر اطلاعات (جلد سوم: 200-245) توسط آقای محمد علی زکریایی انتخاب و خلاصه شده است.

منابع و مأخذ:

- 1- کاستلز، مانوئل (1385) عصر اطلاعات، پایان هزاره (جلد سوم) ، مترجمان: احد علیقلیان و افشین خاکباز، ویراستار ارشد علی پایا، تهران: طرح نو.
- 2-Laserna, Roberto (1996) Juicios prejuicios sobre coca – cocaina La Paz: Clave Consultores.
- 3-Sterling, Clarie (1994) Thieves world: the threat of the new Global Network of Organized Crime, New York: Simon and Schuster.
- 4-Thoumi, Francisco (1994) Economia politicay narcotrafico, Bogota: TM Editores